

اروپا و آمریکا باید به اختلافات خود
در قبال مسائل هسته‌ای ایران، پایان دهند

دوسوی آتلانتیک؛

ضرورت اتحاد استراتژیک*

رابرت. جی. اینهورن

برگردان: افسانه احدی

سلاحهای کشتار جمعی چیست، آیا از طریق سرنگونی رژیم صدام حسین و از راه نظامی میسر است یا تکیه بر بازرسیهای دقیق بین‌المللی. اما حداقل اختلافها درباره ایران به آنچه درباره عراق رخ داد، شباهت ندارد. به نظر نمی‌رسد که کسی توجه جدی به گزینه نظامی داشته باشد و همه بر نهادهای چند جانبه به ویژه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تکیه کرده‌اند. با این وجود اختلافها ظاهر شده‌اند. چشم‌انداز حل رضایت‌بخش مسئله ایران مبهم است مگر

* متن حاضر، برگردان نوشتار زیر است:

Robert J Einhorn, A transatlantic Strategy on Iran's Nuclear Program, **The Washington Quarterly**. Autumn 2004, pp.21-32.

مقدمه

مسئله هسته‌ای ایران دو آزمون حیاتی را برای ایالات متحده و اروپا مطرح می‌کند. اول اینکه آیا بعد از اختلاف عمیقی که درباره عراق به وجود آمد آمریکا و اروپا می‌توانند درباره این مسئله که برای آنها و جهان اهمیت زیادی دارد، با یکدیگر همکاری کنند و دوم آیا منصرف کردن یک کشور مبتکر و مصمم برای دست‌یابی به سلاحهای هسته‌ای از طریق ابزار نظامی محدود ممکن است. این دو آزمون به شدت به هم مرتبطند. اختلاف تلخی که به خاطر موضوع عراق در بین کشورهای آتلانتیک رخ داد بر این امر تأکید داشت که بهترین تضمین خلع

و اطلاعات کاملی درباره برنامه‌ی هسته‌ای اش فراهم نمود. طرفهای اروپایی وعده دادند که اگر ایران به تعهداتش پایبند بماند مانع مطرح شدن پرونده ایران در شورای امنیت شوند و تکنولوژی لازم برای فعالیتهای غیرنظامی برای این کشور را فراهم کنند. اگر چه کسی فکر نمی‌کرد که این توافق باعث شود ایران از برنامه‌ی هسته‌ای اش دست بکشد. اغلب تحلیل‌گران و دولت بوش آن را اولین گام مثبت در این زمینه تلقی کردند.

با این وجود از پاییز ۲۰۰۳ اوضاع بدتر شد. آژانس دریافت که گزارش به ظاهر کامل ایران، منابع خاص فعالیتهایی همچون سانتریفوژهای پیشرفته برای تولید پلوتونیوم را (که برای شروع انفجار هسته‌ای به کار می‌رود)، ذکر نکرده است. از طرف دیگر ایران به جای اینکه برنامه غنی سازی اش را به طور کامل متوقف کند اعلام کرد حق دارد به فعالیتهایی که آژانس خواستار تعلیق آن بوده، (یعنی تولید اورانیوم) ادامه دهد و حتی تولید اجزا سانتریفوژ را به سختی متوقف نمود (به این بهانه که نمی‌تواند قراردادهایش را با شرکتهای خصوصی ایرانی باطل کند). اگر چه ایران در نیمه اول ۲۰۰۴ از بسیاری جهات با آژانس همکاری کرد، اما عملاً بوسیله بازرسیها را به تعویق انداخته و، با بازرسی از سایتیهای نظامی مخالفت کرد و پرسشهای مهمی همچون حوزه و دامنه برنامه سانتریفوژ پیشرفته و منابع حامی اورانیوم غنی

اینکه ایالات متحده و اروپا شکافهای بین خود را محدود کنند و یک استراتژی مشترک ایجاد نمایند.

۱- آیا ایران راه فراری دارد؟ یک بحران در حال شکل‌گیری

متوقف کردن همکاری روسیه در زمینه برنامه هسته‌ای ایران اولویت اول ایالات متحده در سراسر دهه‌ی ۱۹۹۰ بود. با این حال برای اغلب کشورهای اروپایی اهداف هسته‌ای ایران نگرانی عمده‌ای محسوب نمی‌شد تا اینکه در اوت سال ۲۰۰۲ گروههای مخالف ایران موقعیت و محل دو تأسیسات هسته‌ای مخفی را در ایران افشا کردند که شامل یک کارخانه غنی‌سازی اورانیوم در حال ساخت در زیرزمین در شهر نطنز در ۱۳۰ مایلی جنوب تهران است. به دنبال بررسیهای آژانس فاش شد که ایران تعهدات عدم گسترش را نقض کرده و علاوه بر برنامه غنی‌سازی برنامه مخفی برای تولید مواد شکافت‌پذیر هسته‌ای در ۱۸ سال گذشته داشته است.

در اکتبر ۲۰۰۳ زمانی که احتمال اعلام رسمی عدم پذیرش توسط حکام آژانس و ارجاع پرونده به شورای امنیت بیشتر شد ایران با درخواست وزرای خارجه فرانسه، آلمان و انگلستان برای تعلیق همه فعالیتهای غنی‌سازی و پردازش مجدد موافقت کرد، پروتکل الحاقی آژانس را که متضمن بازرسیهای سرزده است را پذیرفت

شده رابی جواب گذاشت. نکرد و در عمل غنی سازی اورانیوم را از سر نگرفت، چنین گفته‌هایی اساساً توافق به دست آمده با طرفهای اروپایی را از بین برد.

ناامیدی از اقدامات ایران منجر به پذیرش توصیه آمریکا برای ارجاع این موضوع به شورای امنیت نشد و در عوض سه کشور اروپایی به ملایمت از ایران خواستند تا به تعهداتش احترام بگذارد و فعالیتهای غنی سازی اورانیوم را از سر نگیرد. اروپاییها تأکید کردند که برای دستیابی به یک راه حل دائمی برای مسئله هسته‌ای ایران گفتگوها را ادامه می دهند (از آنجا که همکاری ایران و اروپا به چنین راه حلی وابسته است) اما تصریح کردند که پیشرفت در این گفتگوها تنها به تعلیق کامل فعالیتهای غنی سازی ایران بستگی دارد.

۲- ارزیابی مقاصد هسته‌ای ایران

چشم انداز ایجاد یک رهیافت فراآتلانتیکی درباره ایران تا حد زیادی به ایجاد فهم مشترکی بین آمریکا و اروپا از مقاصد هسته‌ای ایران وابسته است. تاکنون نظرات دو طرف نزدیک بوده اما یکسان نیست. فریبکاری، قصور و دروغهای ایران درباره برنامه هسته‌ای اش، که همه در گزارشهای آژانس آمده، باعث شده که کشورهای قدرتمند دنیا عمیقاً به ادعاهای تهران مشکوک شوند که ایران توانایی غنی سازی اورانیوم را تنها برای تولید سوخت مورد نیاز راکتورهای هسته‌ای می خواهد و علاقه به

به طور روز افزونی نگرانی درباره امنیت بین‌المللی را افزایش داده ولی از آژانس خواسته تا پرونده این کشور را ببندد. در آستانه اجلاس شورای حکام آژانس در ژوئن ۲۰۰۴، رهبران ایران تهدید کردند که ایران همکاری خود را با آژانس کاهش می دهد و فعالیتهای غنی سازی اش را از سر می گیرد، مگر اینکه این شورا همکاری کامل ایران را با آژانس تأیید نماید و مسئله هسته‌ای ایران از دستور کار نشست ماه سپتامبر ۲۰۰۴ آن خارج شود. به رغم این تهدیدها شورا در ۱۸ ژوئن به سختی قطعنامه مورد حمایت سه کشور اروپایی (انگلیسی، فرانسه و آلمان) را تصویب کرد که در آن از کوتاهی ایران در همکاری کامل، به موقع و پویا با آژانس ابراز تأسف شده، از ایران خواسته شده که فوراً به همه پرسشهای دیرینه‌ای که درباره فعالیتهای هسته‌ای ایران وجود دارد پاسخ دهد و ادامه بررسیها درباره مسئله ایران را به نشست ماه سپتامبر واگذار کرد.

کمتر از یک هفته بعد ایران اعلام کرد که در پاسخ به قطعنامه شورای حکام و کوتاهی اروپایی در تعهداتشان برای بستن پرونده ایران، این کشور تصمیم گرفته که تولید و آزمایش دستگاههای سانتریفوژ را از سر بگیرد و طرحهای تولید اورانیوم هگزافلوراید که ماده لازم برای غنی سازی اورانیوم است را دنبال کند. اگر چه ایران اشاره‌ای به پایان همکاری اش با آژانس

تولید سلاح هسته‌ای ندارد. اروپائیه‌ها و آمریکایی‌ها هر دو موافقند که ایران به دنبال کسب تجهیزات غنی‌سازی و چرخه سوخت نه تنها برای سوخت راکتورهای هسته‌ای است بلکه در تلاش است تا مواد لازم برای بمب هسته‌ای را نیز به دست آورد.

آمریکا، انگلستان و فرانسه متقاعد شده‌اند که ایران قبلاً چنین تصمیمی گرفته است. بر اساس گزارش‌های اتهام برانگیز آژانس، درگیری نظامی ایران در برنامه هسته‌ای جنبه مخفی این برنامه است و آنها به طور کامل اطلاعات در اختیار آژانس قرار نمی‌دهند. این کشورها معتقدند که ایران فعلاً برنامه تسلیحات هسته‌ای را دنبال می‌کند که به عنوان گزینه‌ای در آینده به کار رود. آنها تأکید می‌کنند که ایران برنامه مخفیانه دو گانه‌ای را دنبال می‌کند که جنبه نظامی آن تحت کنترل است و در کنار آن این کشور تمایل دارد تجهیزات هسته‌ای اش را برای بازدید بازرسان همانند کارخانه غنی‌سازی نطنز باز بگذارد. اگر چه این کشورها ظاهراً مدرکی در این باره ندارند که ایران در جایی در حال کار بر روی یک بمب هسته‌ای است، اما مطمئنند که کار بر روی چنین چیزی در حال پیشرفت است.

بعضی دیگر از کشورهای اروپایی همچون آلمان مطمئن نیستند که ایران تصمیم به کسب سلاح‌های هسته‌ای را دارد. آنها معتقدند ممکن است ایران به دنبال کسب توانایی تولید مواد

شکاف پذیر هسته‌ای باشد ولی تصمیم به ساخت سلاح هسته‌ای را به تأخیر انداخته است. چنین توانایی ممکن است زمان کافی به تهران بدهد که ایران مهارت تکنولوژیکی خود را به جهان‌شناسی دهد بدون اینکه تعهداتش را نقص کند و اینکه قادر است در مدت زمان نسبتاً کمی تسلیحات هسته‌ای تولید کند. این دسته از کشورهای اروپایی معتقد نیستند که ایران برنامه تسلیحات هسته‌ای خاصی دارد. آنها یافته‌های آژانس را مغشوش‌تر از آن می‌دانند که بتوان به چنین چیزی مطمئن شد. آنها تأکید می‌کنند که دلیلی برای اثبات یک برنامه نظامی خاص و رای تلاش ایران برای کسب توانایی تولید مواد شکافت‌پذیر وجود ندارد که برای توسعه و تولید بمب هسته‌ای به کار رود.

اگرچه نظرات کشورهای دوسوی آتلانتیک ممکن است در این باره متفاوت باشد که ایران در تلاش برای کسب سلاح‌های هسته‌ای است یا سلاح هسته‌ای تنها یک گزینه در پیش روی ایران است، بر سر دو موضوع اساسی اتفاق نظر دارند. اول اینکه کسب سلاح‌های هسته‌ای توسط ایران برای ثبات خاورمیانه و برای آینده رژیم‌های منع گسترش مصیبت بار خواهد بود. اگر چه اروپایی‌ها از بیان چنین فرمول‌های مطلق‌ی اجتناب می‌کنند، بارها با کسب سلاح‌های هسته‌ای توسط ایران مخالفت کرده‌اند.

دوم اینکه یک توافق فرآتلانتیکی در حال



باید پروتکل الحاقی تصویب شود. به خاطر حقی که ایران برای تولید سوخت راکتور دارد، کشورهای هسته‌ای عمده همچون روسیه، آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی باید تضمینی معتبر برای دریافت چرخه سوخت به ایران بدهند - از طریق تأمین سوخت تازه برای راکتور، باز پس‌گیری و انبار سوخت مصرف شده - که بر اساس توافقات تجاری تازمانی که ایران به تعهداتش پایبند است باید دنبال شود. چنین راه‌حلی مورد پسند سه کشور اروپایی است اما دولت بوش تعهدی نمی‌دهد. اینکه به ایران اجازه داده شود که راکتور هسته‌ای بسازد با موضع اخیر آمریکا سازگار نیست. موضعی که مخالف ساخت همه راکتورهای هسته‌ای در ایران شامل راکتور ۱۰۰۰ مگاواتی روسیه در بوشهر است. اگر ایران به صورت قابل اثباتی از توانایی چرخه سوخت صرف نظر کند، ایالات متحده قطعاً تنها می‌ماند. بنابراین روسها که خدمات رسانی پر منفعت چرخه سوخت را به عهده دارند احتمالاً به ساخت راکتورهای بیشتری خواهند پرداخت.

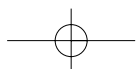
پاسخ تهران بسیار مشکل‌تر است. مسئله هسته‌ای در ایران سیاسی شده، با ایجاد این تصویر توسط تندروها که ایالات متحده و اروپا مانع دستیابی ایران به تکنولوژیهای پیشرفته می‌شوند. در طول دو سال گذشته بعضی رهبران ایران به طور فزاینده‌ای از کنار نگذاشتن غنی‌سازی و دیگر تواناییهای چرخه سوخت

شکل‌گیری درباره این مسئله است که باید ایران را متقاعد کرد که از توانایی تولید مواد شکافت‌پذیر هسته‌ای اش بدون توجه به انگیزه واقعی ایران - خواه برای تولید سوخت راکتورهای هسته‌ای و یا ساخت سلاحهای هسته‌ای - دست بردارد. هم آمریکا و هم اروپا کاملاً درک می‌کنند که کشوری که توانایی غنی‌سازی اورانیوم و تولید پلوتونیوم را دارد بیشتر مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای را طی کرده است. از آنجا که یک گسترش دهنده مصمم تسلیحات در هر زمانی که بخواهد می‌تواند از آن پی‌تی خارج شود، بازرسان را بیرون بیاندازد و مواد هسته‌ای را که تحت نظر موافقتنامه‌های بین‌المللی ساخته به بمب تبدیل کند. آنها معتقدند که واگذار کردن بررسی فعالیتهای ایران به آژانس کافی نیست.

۳- راه حل ممکن

موافقت با این دو موضوع - که ایران سلاحهای هسته‌ای ندارد و اینکه نباید توانایی غنی‌سازی اورانیوم و تولید پلوتونیوم را کسب کند - راه حلی ممکن برای مسئله هسته‌ای ایران فراهم کرده، راه حلی که مورد حمایت بین‌المللی محافل دولتی و غیردولتی نیز هست بر اساس این برداشت، ایران باید به طور دائم از توانایی چرخه سوخت هسته‌ای اش شامل: غنی‌سازی، باز تولید، تبدیل اورانیوم و تولید آب سنگین دست بردارد. برای کمک به بازبینی این تعهد

۱۵۰



گفته‌اند. در اواخر ژوئن ۲۰۰۴، رهبر معظم انقلاب آیت‌الله‌علی خامنه‌ای گفت که مالکیت ایران بر یک چرخه سوخت کامل، ضروری بود و گرنه ایران به دیگران وابسته می‌شد و از قطع منابع سوختی به خاطر انگیزه‌های سیاسی، آسب‌پذیر می‌گردید.

استدلال قوی که می‌توان درباره معامله‌ای که در بالا توصیف شد، مطرح کرد این است که با این معامله، ایران منافع صلح‌آمیز تکنولوژی هسته‌ای را بسیار ارزان‌تر، کاراتر و قابل‌اتکاتر از زمانی به دست می‌آورد که خود آن را تولید کند. هنوز رهبران درباره این معامله نظر دقیق و اولیه‌ای نداده‌اند. از نظر آنها اثر عمده چنین معامله‌ای محروم شدن ایران از توانایی تولید مواد شکافت‌پذیر برای سلاح‌های هسته‌ای است - دلیل اصلی که ایران برای نزدیک به دو دهه برنامه هسته‌ای مخفی را دنبال کرده است. آنها می‌گویند که سرمایه صرف شده برای این برنامه‌ها آن قدر گسترده است و ایران به چنان پیشرفتی در این زمینه دست یافته که به شدت مخالف رها کردن این توانایی است.

۴- درک اندکی فشار برای تغییر مسیر

ایران احتمالاً فشار کمی را برای کنارگذاشتن گزینه هسته‌ای احساس می‌کند، اگرچه تهاجم آمریکا به عراق در ابتدا این ترس را ایجاد کرد که ایران کشور بعدی برای تهاجم است، اکنون با مشاهده درگیری آمریکا در عراق و کاهش

نیروی نظامی این کشور در جهان، ایران نتیجه می‌گیرد که با هیچ خطر حمله نظامی آمریکا در آینده نزدیک مواجه نیست. تهران برای اعمال نفوذ به گروه‌های شیعه عراق، آموزش می‌دهد تا آنها را به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر آمریکا به کار برد و عامل بازدارنده نیرومندی بر ضد دخالت‌های آمریکا در ایران و از جمله درباره مسئله هسته‌ای فراهم کند. اگرچه به نظر می‌رسد ایران تاکنون از به کار بردن چنین نفوذی برای برانگیختن خشونت یا مختل کردن تلاش‌های مورد حمایت آمریکا اجتناب می‌کند، سخت در تلاش است تا بتوان استفاده از چنین ابزاری را پیدا کند. ایران همچنین به دنبال افزایش پیوندهای تجاری با اروپا به ویژه با آلمان است تا آن را به عنوان ابزار فشار بر ضد اروپاییها به کار برد. احتمالاً این امر باعث شکست آمریکا در ترغیب اروپاییها برای ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت نیز خواهد شد.

به علاوه زمانی که ایران، مزایا و خطرات این مسیر را ارزیابی می‌کند احتمالاً به واکنش مجامع جهانی به آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان در می ۱۹۹۸ نیز توجه خواهد کرد. پاسخ اولیه به این آزمایشها بسیار تند بود - محکومیت بین‌المللی و اعمال تحریم توسط کشورهای گروه هشت، آمریکا و چند کشور دیگر - اما چندان دوام نداشت. مدت کوتاهی بعد تحریمها کم‌رنگ شد و در عمل از بین رفت و کشورهای بزرگی همچون آمریکا، شروع به



حوزه و میزان فعالیتهای غنی سازی را (که به حال تعلیق درآمده) تا جایی که ممکن است محدود می کند و برای جلوگیری از ارجاع پرونده اش به شورای امنیت، تلاش خواهد کرد. ایران امیدوار است که بتواند از این آخری، اجتناب کند. آشکار کردن برنامه هایش و همکاری کافی است تا آژانس نتیجه بگیرد که هیچ مدرکی برای فعالیتهای پنهانی بیشتر یا مقاصد ساخت سلاح هسته ای وجود ندارد و این کشور دیر یا زود تأیید صلح آمیز بودن برنامه هایش را از آژانس دریافت می کند. تهران ممکن است نتیجه گیری نماید که این امر می تواند راه فراری برای پایان دادن به تعلیق فعالیتهای غنی سازی باشد و فعالیتهایش را از سر بگیرد. در واقع غنی سازی را به صورت علنی به عنوان پوشش برای برنامه مخفیانه دوگانه اش به کار برد.

خطر فوری ترین است که به جای منتظر ماندن برای اخذ تأیید صلح آمیز بودن برنامه های هسته ای، محافظه کارانی که قدرت را در تهران در دست دارند گامهای تحریک آمیزی را برای کنار گذاشتن اعتماد در مذاکرات و ناامیدی بردارند که منجر به طولانی شدن روند بررسیها شود.

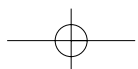
۵- تغییر حسابهای ایران: یک انتخاب اجباری
برای بازداشتن ایران از اقدامات عجولانه و

از سرگیری و حتی ارتقاء روابطشان با قدرتهای هسته ای مذکور کردند.

بر این اساس و با توجه به برداشت ایران از اهمیت سیاسی و اقتصادی اش برای جهان، اگر از ان پی.تی خارج شود و آشکارا به سلاح هسته ای دست یابد با مخالفت شدیدی روبرو می شود اما کشورهای جهان دیر یا زود خود را با واقعیت جدید منطبق می کنند. نه تنها رهبران ایران اخیراً ترس کمتری از ادامه مسیر موجود دارند بلکه متوجه شده اند در مقابل کنار گذاشتن گزینه هسته ای امتیاز کمی می گیرند. به ویژه آنها حدس می زنند که حتی اگر ایران کاملاً و آشکارا از تلاش برای دستیابی به سلاح هسته ای دست بکشد، ایالات متحده به طرحهای خصمانه اش بر ضد رژیم تهران ادامه خواهد داد.

یک سال و نیم قبل، قبل از انتقادهای سنگین شورای حکام که هر سه ماه یک بار تکرار شد، رهبران ایران وضع ناآرامی داشتند اما برای ایشان تحمل ناپذیر نبود. فشارهایی که بر ایران وارد می شود آن قدر نیرومند نیست که این کشور را وادار به صرف نظر کردن از آمل هسته ای اش کند. برای مدتی طولانی محرکها و بازدارنده های موجود یکسانند، بنابراین ایران به رغم فشارها به کار خود ادامه می دهد، با بازرسان موش و گربه بازی می کند، سه کشورها اروپایی را مرعوب می سازد، سعی به ایجاد شکاف بین این کشورها و آمریکا خواهد کرد،

۱۵۲



ترغیب این کشور برای دست برداشتن از اهداف هسته‌ای‌اش، ایالات متحده و اروپا باید به سرعت محسابات مزایا و خطرات ایران را تغییر دهند. آنها باید با همکاری یکدیگر چارچوب مشترکی از محرکها و بازدارنده‌ها ایجاد کنند که ایران را با انتخاب سختی روبرو کنند؛ اینکه یا ایران با کسب سلاحهای هسته‌ای طرد شود یا با کنار گذاشتن این امکان به عنوان یک عضو مورد احترام جامعه بین‌الملل تلقی شود.

رهبران ایران ترجیح می‌دهند که خود، توانایی تولید مواد شکافت‌پذیر را با اهداف به ظاهر صلح‌آمیز داشته باشند و روابط خوبی با بقیه جهان برقرار کنند. اگر مجبور به انتخاب شوند آنها احتمالاً همگرایی بین‌المللی را انتخاب می‌کنند. در این برداشت ایران با کره شمالی تفاوت دارد. نخبگان پیونگیانگ ترجیح می‌دهند کشورشان منزوی شود تا در معرض خطر نفوذ خارجی قرار بگیرد اما محافظه‌کاران عمل‌گرای تهران معتقدند که مشروعیت رژیمشان و حفظ حیاتشان به شدت به توانایی آنها در ارائه فواید مالی به جمعیت

دل سرد شده ایران بستگی دارد، مزایایی که تنها از طریق همگرایی اقتصادی و سیاسی با جامعه بین‌المللی قابل تحقق است.

هم ایالات متحده و هم اروپا نقش مهمی در شکل دادن به این انتخاب ایران بازی کرده‌اند. دولت بوش نقش پاسبان بد و اروپاییها

نقش پاسبان خوب را ایفا کردند. ایالات متحده ایران که را عضو محور شرارت می‌داند، تأکید دارد که شورای حکام آژانس باید ایران را به عدم پذیرش ان.پی.تی متهم کند و موضوع را به شورای امنیت ارجاع نماید. آمریکا با هر نوع همکاری هسته‌ای با ایران همچون ساختن رآکتور بوشهر توسط روسها مخالف است و حتی تماسهای محدود خود با ایران را نیز قطع کرده است. از طرف دیگر سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) هویج را بر چماق ترجیح داده‌اند. آنها وعده دادند که تجارت تکنولوژی عالی همچون تکنولوژی غیرنظامی هسته‌ای با ایران را بهبود دهند و با طرح موضوع در سازمان ملل، مخالفت کنند در صورتی که تهران به تعهد خود عمل کند. اهرم فشار اروپاییها معمولاً به تأخیر انداختن هویج است. برای مثال اروپا اعلام کرد تازمانی که مسئله هسته‌ای ایران حل نشود مذاکرات درباره توافقنامه همکاری و تجارت با این کشور را به تأخیر می‌اندازد. چنین اقداماتی به ایران صدمه نمی‌زند تنها این کشور را به محرومیت از منافع آینده تهدید می‌کند.

مشکل این شکاف آشکار پاسبان خوب/ پاسبان بد، بین اروپا و آمریکا این است که ایران انگیزه تغییر عقیده پیدا می‌کند. تهدیدهای آمریکا با فشار بیشتری همراه است اما خیلی مؤثر نیست، همچون گزینه نظامی که قابل اعتماد نیست. آمریکا اخیراً به همکاری محدود



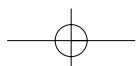
فرانسه، روسیه و انگلستان به عنوان اعضاء دائم شورای امنیت به ایران به این مضمون که آنها در صورت مطرح شدن مسئله در شورای امنیت از تحریمها جلوگیری نمی کنند، ایران را به فکر خواهد انداخت. (پیام مشابه به این پیام از طرف چین به پیونگ یانگ باعث شد که پیونگ یانگ چارچوب موافقت شده در سال ۱۹۹۴ را بپذیرد.) برای به حداقل رساندن احتمال زیر پا گذاشتن این پیام توسط تهران- از آنجا که نمی خواهد به عنوان تسلیم شدن در برابر فشارهای خارجی تلقی شود- باید این پیام محرمانه با ایران فرستاده شود.

پیام دیگری که سه کشور اروپایی باید به ایران بدهند این است که پاسخ جهان به آزمایش هسته ای هند و پاکستان نباید به عنوان مدل واکنش بین المللی به هسته ای شدن ایران تلقی شود. این دو مورد بسیار با یکدیگر تفاوت دارند. نه هند و نه پاکستان عضو پیمان ان.پی.تی نبودند و هیچ تعهد بین المللی را نیز نقض نکردند. از آنجا که ایران عضو ان.پی.تی است کسب سلاحهای هسته ای توسط این کشور و نقض این پیمان به رژیم منع گسترش، صدمه اساسی وارد می کند. درباره شدت و تداوم واکنش بین المللی به توانایی هسته ای ایران، اروپا باید رهبران ایران را قانع کند که به جای مورد هند و پاکستان به اعمال تحریم به رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی یا تحریمهای لیبی به خاطر اقدامات تروریستی بنگرند.

ایران - آمریکا پایان داد و به نظر می رسد اروپاییها مایل نیستند به مجازاتهای جدید و چند جانبه آمریکا بپیوندند. پیشنهادهای اروپا نیز به همان اندازه غیر مؤثر است از آنجا که حقوق بشر و دیگر نگرانیهای سیاسی موارد محدودی برای ارائه پیشنهاد اروپاییان هستند و در واقع هر پیشنهادی از طرف اروپاییان اگر با تغییر نگرش آمریکا نسبت به رژیم ایران همراه نباشد از دید ایران مطلوبیت کمتری دارد. آنچه که اکنون مورد نیاز است جابه جا کردن نقشهای اروپا و آمریکا در این باره است: که اروپا نقش پاسبان بد و آمریکا نقش پاسبان خوب را بازی کند (یا به صورت واقع بینانه تر نقش هر کدام بدتر و بهتر شود).

سه کشور اروپایی باید به صورت محرمانه، خطوط قرمزی را برای ایران مشخص کنند: شکست در تعلیق جامع فعالیتهای غنی سازی، کشف فعالیتهای یا تأسیسات هسته ای مخفی توسط آژانس و کوتاهی در همکاری ایران با آژانس. آنها باید روشن کنند که اگر ایران از این خطوط، تخطی کند عواقب جدی به دنبال خواهد داشت. نه تنها مزایایی که ایران در همکاری با اروپا در آینده خواهد داشت به تأخیر می افتد بلکه بر همکاریهای موجود هم تأثیر می گذارد. اروپاییها باید به ایران هشدار دهند که دخالت شورای امنیت در این مسئله در صورتی که ایران از این خطوط تخطی کند، اجتناب ناپذیر است. یک پیام جدی از طرف

۱۵۴



در حالی که اروپاییها بر استفاده از چماق تأکید می‌کنند، آمریکا باید از هویج استفاده کند. به ویژه آمریکا باید وارد بحثهای دوجانبه درباره دامنه کاملی از موضوعات شوند که مورد علاقه ایران و آمریکا است (همچون عراق و افغانستان)

۶- خریدن زمان : آیا می‌توان ایران را منصرف کرد؟

اینکه بتوان ایران را متقاعد کرد که صرف نظر از سلاحهای هسته‌ای، مصالحه درباره امنیت و دیگر منافع ملیش نیست - حتی اگر شدنی باشد - شاید سالها زمان ببرد. سه کشور اروپایی و ایران موافقت کرده‌اند که برای تبدیل توافق مقدماتی اکتبر ۲۰۰۳ به یک راه حل دائمی به مذاکرات ادامه دهند. اما هنوز به خاطر عدم تصمیم‌گیری اساسی ایران برای صرف نظر کردن از توانایی هسته‌ای، بسیار مشکل است که شاهد پیشرفت چنین مذاکراتی باشیم.

در حالی که آمریکا و اروپا در تلاشند تا محاسبات ایران را درباره مزایا و خطرات بلند مدت این مسئله تغییر دهند، آنها باید ایران را از اتخاذ گامهای بیشتری در این باره باز دارند و در واقع این کشور را با عمل انجام شده مواجه کنند. به این معنی که باید بر تعلیق کامل فعالیتهای غنی‌سازی و باز فرآوری‌ای که آژانس خواسته، تأکید نمایند. همچنین آنها باید بر آژانس فشار بیاورند، تا بازرسیهای کامل را برای کشف فعالیتهای پنهانی ایران و به تأخیر انداختن آن فعالیتهای انجام دهد.

و درباره موضوعاتی که بیشتر مورد بحث است (همچون عوامل بازداشت شده القاعده در ایران، حمایت ایران از سازمانهای تروریستی در خاورمیانه و موضوع هسته‌ای). این بحثها نباید تبدیل به یک مذاکره بزرگ شود بلکه باید حل گام به گام موضوعات مورد نگرانی طرفها باشد و به عادی‌سازی واقعی روابط بین دو کشور بیانجامد.

تلاش برای پیشرفت برای عادی‌سازی روابط ایران و آمریکا یکی از انگیزه‌های اصلی ایران برای کسب سلاحهای هسته‌ای است: در واقع ترس از ایالات متحده، تاکنون انگیزه امنیتی عمده ایران برای برنامه‌های تسلیحات کشتار جمعی عراق بوده، عراقی که که به داشتن برنامه تسلیحات هسته‌ای پیشرفته معروف بود و از سلاحهای شیمیایی بر ضد ایران در جنگ خونین دو طرف در دهه‌ی ۱۹۸۰ استفاده کرد. حالا که خطر صدام و برنامه‌های تسلیحات کشتار جمعی‌اش از بین رفته و ایالات متحده با نیروی نظامی‌اش ایران را محاصره کرده و تهران به تضعیف رژیمش تهدید شده، تهدیدی که از سوی عراق متوجه ایران بود بیشتر شده است. آغاز روند مذاکراتی

تنها با تکیه بر چماق و بدون هویج و بدون
درگیر شدن و مذاکره با ایران به راه حلی رسید
از طرف دیگر باید از دیدگاه مورد علاقه اش
درباره تغییر رژیم ایران خواه از طریق ابزارهای
اعمال زور یا فرآیندهای سیاسی داخل ایران
دست بردارد. حاکمان محافظه کار امروز به
خوبی تثبیت شده اند و احتمال ندارد به این
زودپها عوض شوند. اگر یک راه حل مورد
توافق قبل از دستیابی ایران به توانایی تولید بمب
به وجود آید تنها از طریق مذاکره واشنگتن با
رژیم کنونی که قدرت را در دست دارد میسر
است.

برای اروپا و آمریکا ضروری است که بر
اختلافها و ناخشنودیهای که بر جامعه
فراآتلانتیک وارد شده غلبه کنند و برای دست
یافتن به یک استراتژی مشترک با یکدیگر (و با
روسیه و ژاپن) همکاری نمایند. آنها به عنوان
یک جبهه متحد و نیرومند، باید تهران را به
انتخاب یکی از دو گزینه همکاری بین المللی یا
سلاحهای هسته ای وادارند. تنها زمانی که ایران
درک کند که قادر به ایجاد شکاف در جامعه
بین المللی نیست و نمی تواند توانایی تولید مواد
شکاف پذیر را داشته باشد، انتخاب درستی
خواهد نمود و برنامه های تسلیحات هسته ای اش
را رها خواهد ساخت.

* بار دیگر توجه خوانندگان محترم را به این نکته جلب می نماید
که تحلیل حاضر رویدادهای نوامبر و بعد از آن را دربر نمی گیرد (م).

اگر ایرانیان معتقد باشد که هزینه های کسب
سلاحهای هسته ای قابل مدیریت هستند و
مزایای صرف نظر کردن از آنها نامشخص یا
ناچیزند، همچنان مسیر کنونی را ادامه می دهند.
البته ما هرگز نمی توانیم بفهمیم که آیا ترکیبی از
محرکها و بازدارنده ها می تواند ایران را از
پی گیری خواسته اش باز دارد یا نه. اگر ما
بخواهیم حتی روی شانس حساب کنیم، آمریکا
و اروپا باید تعدیلهای عمده ای در رهیافتهایشان
به وجود بیاورند.

انتظارات بالای سه کشور اروپایی از
موافقت نامه اکتبر * ۲۰۰۳ که بتواند به توقف
دائمی برنامه های چرخه سوخت ایران منتهی
شود، به روشنی به واقعیت نپیوسته است. اگر
اروپاییها بخواهند به موضعشان در این باره که
ابزار غیر نظامی نمی تواند چالشهای مشکل منع
گسترش را حل کند تأکید نماید باید ژست
قاطع تری در برخورد با ایران به خود بگیرند. به
ویژه، آنها دیدگاه مذاکره و درگیری با ایران را
باید به عنوان ابزاری تصور کنند که تا زمانی که
جواب دهد، ادامه پیدا کند.

همچنین با توجه به علاقه اروپا در ارتقاء
یک راه حل دائمی همان طور که آنها علاقه مند
به داشتن روابط تجاری و سیاسی با ایران در
بلندمدت هستند، باید از تهدید به محدود کردن
این روابط در کوتاه مدت استفاده کنند.

ایالات متحده هم باید درک کند که نمی توان